

از ابتدا می آید و سر همین خط می ایستد! بعضی از سیاستمداران سیاست خارجی که من آنها را اصلاً سیاستمدار نمی دانم، خیال می کنند که با نرم صحبت کردن و خواهش کردن دل طرف مقابل به رحم می آید، در جهان چنین فکری نیست. ما قانون را اجرا می کنیم؛ اما آنها قانون نمی فهمند و قانون آنها زور است. استحکام باید بگیرد و پادان باشد این قانون نانوخته است و قدرتمندان نیز به این پایبندند. یعنی اگر ملتی منسجم بایستد، هیچ کس نمی تواند کاری به آن داشته باشد.

با این توصیف آینده را چطور می بینید؟

● خوب است. البته فشارها را زیاد می کنند. ما داریم کار خودمان را انجام می دهیم. یک رقابت و نبرد سنگین است، ما ما داریم تلاش دیپلماتیک می کنیم. تا هم اکنون که به نفع ما بوده، یعنی آن چیزی را که می خواستند به آن دست پیدا نکرده اند. ما باید توانمندی ها را بعد از شناختن، مدیریت کنیم. به نظر من مدیریتی که در حال حاضر در این عرصه دارد انجام می شود، مدیریتی بسیار هوشمندانه است. شما نگاه کنید کشورهای دیگری که هسته ای شدند، چه فشارهای سنگینی را تحمل کردند.

باز این مسأله را تأکید می کنم که مرزهای ما هسته ای شدن و استفاده از انرژی هسته ای در مقادیر بسیار کم است که اعلام کرده ایم. پس تأکید می کنم که اگر کسی بیاید و بگوید که من تا تحریم اقتصادی ایستادگی می کنم، تا تحریم نظامی می ایستم و اینها چیز نامفهومی است و به همین دلیل بود که من گفتیم قطار هسته ای نه ترمز دارد، نه دنده عقب می رود.

برخی معتقدند در بازی هسته ای با غرب، ما باید به نتیجه برود - برد برسیم. اگر برد ما، هسته ای شدن باشد، برد غرب چه چیزی است؟

الآن توقع من بیش از دو سال قبل است. دقت کنید که لزوماً همه آرمان ها فوراً محقق نمی شود. مهم این است که به سمت آرمان ها می روید با حداکثر توان. این برای ما مهم است. خیلی از آرمان ها محقق می شود و بسیاری از آنها برای آینده است و برخی نسبی محقق می شود

● نمی دانم برد - برد یعنی چه. اگر قانون و عدالت را رعایت کنیم، همه برنده هستیم. چه اشکالی دارد بپذیرند برد ایران را. دنیا به سمت صلح و صفا و برادری پیش می رود. از این اخلاق خود دست بردارند، با هم برنده می شویم. شما مدیری یا مراجع قم داشتید، قبل از دیدار شما نیز یکی از مراجع شایعه اختلاف نظر دولت با مراجع را به شدت تکذیب کرده بود، فکر می کنید این شایعات در چه رفتارهایی دارد؟

● بالاخره افرادی هستند که علاقه ندارند دولت با آرامش کار کند، تلاش دارند نقاط مثبت دولت را منفی جلوه بدهند. این افراد از رابطه دولت با علما داستان درست می کنند، ترویج می کنند، تبلیغ می کنند و منتشر می سازند و ریشه آن هم معلوم است؛ نمی خواهند کارها خوب به جلو برود. نمی خواهند آرامش در کشور باشد تا با سرعت بیشتری جلو برویم. این افراد و گروه ها دوست دارند اختلاف باشد و فکر می کنند از اختلاف سود می برند اما به لطف خدا به نتیجه نمی رسند.

یک بحثی در بین منتقدین شما مطرح است که آقای احمدی نژاد به وزرای خودش اختیار تام نداده است. می خواهد روی کارها نظارت دقیق داشته باشد و این موجب شده است که در برخی وزارتخانه ها ۱۰ «وزیرک» به وجود بیاید.

این که اختیار تام ندارند، یعنی چه؟ هیچ کس اختیار تام ندارد. اختیارات محدود است. اختیارات مربوط به خود وزیر؟

● بله، اختیارات وزیر، محدود و در چارچوب سیاست های دولت است. رئیس جمهور نیز مسئول قوه مجریه است. هم باید سؤال کند، هم باید نظارت

داشته باشد. اما این که همه کارهای وزرا را من هر روز سؤال می کنم، نه اصلاً این طور نیست. در چارچوب سیاست ها کار را جلو می بریم. موارد خاصی هم اتفاق می افتد که لازم است جزئی وارد شویم تا بفهمیم کارها چگونه است. معنایش این نیست که زیر مجموعه وزیر کسانی دیگر باشند. ما جز وزیر کس دیگری را نصب نمی کنیم. در وزارتخانه آن کسی که نصب می شود، وزیر است، پاسخگو وزیر است. نفر اول و آخر هم وزیر است. پس این حرف شما با آن قسمت اول نمی خواند.

مثلاً درباره وزیر رفاه و رئیس سازمان تأمین اجتماعی و اتفاقاتی که افتاد.

● آن گزینه پیشنهاد خود وزیر بود. ضمن این که این طور نیست که وقتی ما می گوئیم وزیر، وزیر هر کسی را که دلش خواست، معاون بگذارد. همین طور که رئیس جمهور هم هر کسی را به عنوان وزیر انتخاب نمی کند.

وزرا در انتخاب معاونان خود محدودیت دارند. باید کسی را انتخاب کنند که در چارچوب سیاست ها فعالیت کند. اما این که ما فردی را گفته باشیم که حتماً باید این فرد را مسئول بگذارید و لاغیر، نه اصلاً این طور نیست. وزیر افرادی را پیشنهاد می دهد و ما بررسی می کنیم. ممکن است جایی که ما می بینیم و وزیر بپذیرد یا این که نپذیرد.

تعمیر کابینه در دولت های قبل مانند آنچه که در دولت نهم رخ داد، سابقه نداشت. تغییر ۲ وزیر آن هم در سال اول فعالیت. درباره این تصمیم خود بیشتر توضیح دهید. با در نظر گرفتن این نکته وزرای تغییر یافته باز هم در مجموعه دولت، البته در غیر از کرسی وزارت حضور دارند.

● یک وقت است کسی به نقطه ای می رسد که نمی تواند در کل دولت باشد، یعنی امانتداری و مسائل دیگرش زیر سؤال است. ولی ممکن است حالتی باشد که با وجود یک فرد، هماهنگی ها به خوبی جلو نمی رود و باید یک جای دیگر برود و کس دیگری جایگزین او شود. می خواهم بگویم آرایش نیروها مهابتاً گروهی است که شما گروهی را تشکیل می دهید برای مأموریتی، این مأموریت ها مختلف است اما باید با هم هماهنگ کار کنند. برخی وقت ها ممکن است فردی باشد که برای مسئولیت خاصی مناسب نباشد، ناتوان باشد، اما جای دیگر بتواند موفق باشد. خوب این جایی انجام می شود.

این تغییرات ادامه پیدا خواهد کرد؟

● من هر وقت به نتیجه برسم، این کار را انجام می دهم. دولت برای آدم هایی که درون آن هستند، نیست. دولت برای ملت و برای انجام کار است. این طور نیست که یک فردی بیاید و ما به خاطر آن فرد از معیارها عدول کنیم.

شما در شعارهای انتخاباتی اعلام کرده بودید که در انتصاب افراد به هیچ عنوان به گرایش سیاسی و حزبی و اینکه دوست شما باشد یا نباشد کاری ندارید و صرفاً توانایی های آنها را در نظر می گیرید. این شعار شما را همه شنیدند. آیا بعد از روی کار آمدن جنابعالی لیستی از سوی برخی افراد که بخواهند گزینه هایی را به شما تحمیل کنند برایتان ارسال شد.

● ببینید الان کسی از من توقع ندارد، نه این که صفر شده باشد. بعضی ها هستند که توقعاتی دارند اما راه برای آنها بسته است.

یعنی بعد از یک سال و نیم هنوز توقعاتی هست و صفر نشده؟

● حالا کمتر شده ولی صفر نمی شود و هنوز افرادی هستند که خیال می کنند ویژگی و یا حق خاصی دارند. حجم این فشارها در اوایل بیشتر بود و الان کمتر است.

تأثیر کانون قدرت بر روحیه ائثار گری و بسیجی هر فردی از جمله رئیس جمهور چیست؟ آیا وقتی کسی رئیس جمهور می شود و عده زیادی دور او را می گیرند، می توانند روحیه خود را بر اساس آرمان هایی که مردم از او انتظار دارند، حفظ کند؟

● آرمان ها که هیچ وقت دست نمی خورد. بلکه

الآن توقع من بیش از دو سال قبل است. دقت کنید که لزوماً همه آرمان ها فوراً محقق نمی شود. مهم این است که به سمت آرمان ها می روید با حداکثر توان. این برای ما مهم است. خیلی از آرمان ها محقق می شود و بسیاری از آنها برای آینده است و برخی نسبی محقق می شود. این که آیا دولت به آرمان ها معتقدتر شده است یا نه، قطعاً معتقدتر شده و حتی از

یک گوشه آن هم جای عدول نیست که بگوئیم حالا این نشدنی است. نه، مطلقاً هم چنین چیزی نیست. این به آن معنا نیست که مقابله، کارکنشی و موانع نیست یا تشدید نمی شود، بلکه می شود. آنها هم هست ولی این عوامل نتوانسته اراده دولت را سست کند. این مبارزه است. مهم این است که با همان توان جهت را حفظ کرده ایم. و با تمام توان می رویم جلو. معنای حرف من این نیست که در تاکتیک، اشتباه نمی کنیم. می گوئیم جهت را گم نمی کنیم.

من اگر یک موقعی فکر می کردم که ۲۰ ساله به یک موضوعی می رسیم، در بعضی جاها فکر می کنم که ۱۰ ساله یا ۱۲ ساله می رسیم، اما باز می گوئیم این بدان معنا نیست که مقابله و کار شکنی نباشد. مقابله هم به همان نسبت وجود دارد. اگر آرمان ها کنار گذاشته شده بود و حرکتی نبود، این صف بندی و مقابله سنگین برای چی است؟ هر روز هم تند تر می شود. شما می بینید سیل توهین ها و تهمت ها و خشم و کینه می بارد از این کلماتی که به کار می برند و هر روز هم دارد تشدید می شود. معنای آن این است که سرعت زیاد است. اگر رکود بود که خودش می افتاد پائین و سرعت نمی خواست.

یعنی مشکلات و قید و بند های کار سیاسی و اجرایی شما را از ذهنیت ها و تفکرات قبلی تان دور نکرده است؟

● آن چیزی که شما می گوئید درباره کسانی است که آشنا به چرخه اجرایی نیستند. آنها ممکن است حرف های غیر واقع بنانه بزنند ولی من با چرخه های اجرایی کشور آشنا بودم و اتفاقاً کسی بودم که در انتخابات، تقریباً وعده ای ندادم و همه حرف های من اصلاح جهت گیری ها بود. یکی، دو تا از وعده های من این بود که سود بانکی را کاهش می دهیم که دارد انعام می شود و یا این که یک صندوقی تأسیس کنیم و اختصاص بدهیم برای جوانان و گفتم سعی می کنیم وضع آنها را که در طبقات پائین ترند، بهتر کنیم. فاصله را کم کنیم و این کارها را داریم دنبال می کنیم ولی در بعضی جاها ممکن است سر عثمان در آن حدی که باید باشد، نرسیده باشد. اما چون واقع بین بودم مثل بعضی ها که پیشنهاد پول و ساخت و ساز دادند، قول ندادم.

به همین خاطر در بخش عمرانی، اصلاحاتی انجام دادیم، از جمله روابط سازمان مدیریت با استان ها و با این کار سرعت کارهای عمرانی دو برابر شده و دارد اتفاق می افتد. اگر اصلاحات را بیشتر از این کنیم سه برابر می شود. ما گفتم یک جلوی ریخت و پاش ها را می گیریم، یک مقدار گرفتیم و حرکت بیشتری شد. اگر وزیری بخواهد یک پروژه صنعتی را افتتاح کند، دیگر نمی گوید که چگونگی فلان آقا را بنشینم راضی کنیم. این طور نیست. می گوید کجا نیاز داریم و به همین خاطر دولت پروژه های عمرانی را ارسال جاهایی برد که اصلاً هیچ کس فکر آن را نمی کرد و آنجا آرزوهایش بود که فولاد را با پتروشیمی در آنجا بیاید. الان شما در خراسان جنوبی ببینید که صدها پروژه در این یک سال و خرده ای افتتاح شده است یعنی جهت عدالت را اگر درست کنیم، خود به خود اقدامات انجام خواهد شد.

پس این ها را شما از هم تشکیک کنید. ممکن است افرادی باشند که اگر بیایند و تحت فشارهای سنگین قرار بگیرند از آبرو و حیثیت شروع می کنند تا در عمل کار را طولانی کنند. ممکن است افرادی هم باشند به جای این که از یک طرف سرعت را زیاد کنند و وقت بیشتری بگذارند، سرعت را کند کنند و از هدف ها کوتاه بیایند. خو شیخانه در این دولت از این اتفاق ها روی نداده و از هدف ها کوتاه نیامده ایم.

یک اقتصاددان غربی ۵۰ سال پیش کتابی راجع به اقتصاد ایران منتشر کرده و در آن کتاب اشاره می کند که اقتصاد ایران یک حالت معما گونه دارد. به عقیده وی اقتصاد ایران به رغم منابع خوب طبیعی و انسانی، حریفی برای گفتن ندارد. متأسفانه هم اکنون نیز می توان این حرف را زد، یعنی منابع انسانی فوق العاده با منابع طبیعی داریم، اما رشد اقتصادی پایستنی و درآمد سرانسته متوسط است. آقای رئیس جمهور گم شده اقتصاد ایران چیست؟

● اقتصاد، مفنک از دیگر بخش ها نیست، ساختار اداری، نظام برنامه ریزی فضای سیاسی،